

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ک . پیکار پامیر – تورنتو

۲۵.۰۸.۰۹

طالبان به مثابه ابزار سیاسی کشور های خارجی

شبکه اطلاع رسانی افغانستان به تاریخ ۳۰ ماه سرطان سالجاری، خبر مبنی بر موافقت طالبان غرض مذاکره با رییس دولت افغانستان را به چاپ رسانید. قبل از آنکه روی این موضوع به تبصره بپردازیم، اینک بُریده هایی از اظهارات بعضی از شخصیت های پاکستانی در این زمینه را درج می نماییم تا خواننده های گرامی به نکات حساس آن توجه فرمایند:

پرویز مشرف رییس جمهوری سابق و یکی از جنرالان ارشد پاکستانی در گفت و گو با شبکه تلویزیونی " اسکای نیوز" گفت: " حامد کرزی از مدتها پیش خواستار گفت و گو و مذاکره با طالبان بوده است که در این راه کم و بیش هم موفق بوده و عده ای از طالبان صلح طلب را به همکاری و همفکری در دولتش دعوت نموده است. اما یکی از بزرگترین مشکلات کرزی، طالبانی هستند که قصد خلع سلاح شدن را ندارند که دولت پاکستان علی رغم مشکلات فراوان، سعی کرده است تا زمینه را برای گفت و گوی کرزی با سران اصلی آنها فراهم نماید. "

برید جنرال اظهر عباس با "سی ان ان" گفت: " روابط عمیق و همه جانبه ی آی اس آی با جنگجویان در زمان اتحاد آنها با امریکا و در روز های جنگ شوروی در افغانستان وجود داشته و اردوی پاکستان هنوز هم با فرماندهانی نظیر ملا عمر، جلال الدین حقانی، ملا نظر و گلبدین حکمتیار از حزب اسلامی در تماس میباشد. . . هیچ اداره استخباراتی در هایش را به روی تنظیم های دیگر نه می بندد، بنابراین تماس های (ما) برقرار ماند و روابط بر حال است. اردوی پاکستان توانمندی آنرا دارد که طالبان را روی میز مذاکره با امریکا بنشاند تا وظیفه میانجی را با یک جهش آنی و آغازیدن مذاکرات بین طرفین در گیر در جنگ را ترتیب اثر دهد. "

جنرال حمید گل سابق رییس استخبارات نظامی پاکستان که از جمله مداخله گران جدی در امور افغانستان میباشد، گفت:

" . . . تاحدی که به منافع امریکا در افغانستان مربوط می شود، صرف یک شخص آنرا تأمین کرده میتواند و آن شخص کس دیگری نه، بلکه صرف ملا عمر است. . . اداره اوپاما از طریق اردوی پاکستان به ملا عمر رسایی پیدا کرده میتواند. . . آیا او نظر به کدام تعریف و تعبیر تروریست بوده میتواند؟ آیا او به کدام عمل تروریستی اقدام کرده و چنین عملی را مرتکب شده است؟ "

آنگاه که ماهنامه ی سیاسی – فرهنگی " پگاه" را در کانادا به نشر می رسا نیدم، در همان روز های نخست که داره (دهاره) طالبان وارد افغانستان شدند، تفسیر سیاسی تحت عنوان " اسرار طالبان " را در شماره سوم سال ۱۹۹۵ میلادی نشریه مذکور به چاپ رسانیده در قسمتی از آن چنین به عرض رسا نیده بودم :

" . . . واقعیت امر اینست که پاکستان با نفوذ عمیق و گسترده ای که ظرف چند سال اخیر از طریق تنظیم های مزدور و بالواسطه نیروی بی رحم استخباراتی خویش در تار و پود سر زمین عزیز ما حاصل نموده و آزادی عملی که ابر قدرت ایالات متحده در مورد افغانستان به پاکستان عنایت کرده است ، نه تنها کلید چگونگی حیات و سرنوشت سیاسی میهن مان را در کف گرفته اند که در کار ناروای ویرانگری، ناامن سازی، به هم اندازی جناح ها و کشتار و تاراج و ترزلزل ملت و دولت افغانستان تا سرحد تحلیل و تجزیه آن دست داشته و خواهد داشت . "

و در پایان همین تفسیر سیاسی معروض داشته بودم که ،

" در این روز گار سختی که دستگاه های جهنمی بیگانگان جفا پیشه، بت تازه ای به ما می تراشند، به آن رنگ و بوی " افغانی " می دهند ، اسم و رسمی با پسوند (اسلامی) بدان می بخشایند و خنجر تیزی هم در کفش می نهند و در چار سوق قدرت نمایی و بیداد گستری ها رهاپیش می کنند ، دیگر در همچو موارد مهم ، مردم ما نه باید خوش باور و زود پذیر باشند ، بلکه هر پدیده نو ظهور سیاسی – نظامی را با دقت کامل و احتیاط لازم مطالعه و بررسی نمایند تا "ایکاش" ها را تکرار نکنند. "

همچنان، تا کنون ضمن نگارش ده ها مقاله و تبصره ، بر این واقعیت تلخ تأکید کرده ام که مهار نمودن دارة طالبان از روز اول تا کنون بدست جنرالان نا جوانمرد شبکه استخبارات نظامی پاکستان بوده این دارة خونریز هرگز از خود استقلال رأی نداشته و نه دارند. این نکته را نیز پیوسته تکرار کرده ام که از ملامعمر تا بن لادن و از گلبدین تا سایر سر کرده های تروریستان در پناهگاه هایی که از طرف استخبارات پاکستان برای شان تدارک دیده شده، به سر می برند که هرگاه کاخ سفید می خواست ویا هرزمانیکه بخواهد ، جنرالان پاکستانی در بدل چند دالر و دینار، آنها را در اختیار مقامات مذکور میگذارند و در آن صورت ، غایله تقریباً فرو می نشیند که مسلماً خواست امپراتوری امریکا چنین نبوده و نیست .

اکنون وقتی اظهارات جنرالان کهنه کار آس آی را می خوانیم و می شنویم که صراحتاً میگویند:

" هنوز هم اردوی پاکستان با فرماندهان نظیر ملامعمر، جلال الدین حقانی، ملانظیر و گلبدین (لابد با اسامه بن لادن) . . . در تماس میباشد، " و یا به قول جنرال حمید گل پاکستانی : " اوباما از طریق اردوی پاکستان به ملامعمر رسایی پیدا کرده میتواند. .. " آیا دیگر دلیلی به تجاهل و لشکر کشی های امریکا و متحدانش در افغانستان و یا تعیین جوایز چند ملیون دالری غرض دستگیری رهبران تروریسم و دامن زدن به ترس و تهدید و تبلیغ و تداوم انفجار ها و انتحار ها و . . . باقی خواهد ماند ؟

انگیزه های چنین عشوه ها و سخنان جنرالان پاکستانی چیست ؟ چون بازیهای سیاسی و تبنانی های مخفی زیادی میان کشور های روسیه، امریکا، پاکستان، عربستان سعودی و بریتانیا در قبال مسایل افغانستان جنگزده ادامه دارد، بنابراین، جنرالان کهنه کار پاکستانی که برای نابودی هند و افغانستان سوگند یاد کرده اند، در هر مقطع از زمان ، با در نظر داشت ظرافتها و اقتضات همان بازیهای سیاسی سخن گفته و میگویند و نبض زمان و دیپلوماسی لازم را در کف دارند.

هموطنان عزیز ما شاهد اند که از مدتی بدینسو؛ ولوله " مذاکره با طالبان " در محیط ارگ جمهوری کابل، در میان نامزد های کرسی ریاست جمهوری، در حلقات بعضی از نشرات گفتاری و نوشتاری و حتا تصویری ، در دفاتر

سازمان ملل و کاخ های رهبری قدرتهای بزرگ و فرماندهان نظامی آنان گرم تر شده است ، چنانکه سخنگویان کشور های غربی ، حتا جنرالان ارشد نظامی آنها از " عدم پیروزی نظامی در برابر شورشیان " و " بی نتیجه بودن جنگ " سخن به میان می آورند و به ایما ها و اشاره های سنجیده شده ، این افکار را پخش میکنند که گو یا امپراتوری امریکا ، پیمان ناتو ، کشور های پیشرفته اروپایی و غیره قادر نیستند در مقابل چند تا جاهلِ تفنگدار و سر بُر قرون وسطایی ایستادگی نمایند .

آیا اینهمه اظهارات ، ایما ها و تبلیغاتِ شام تا بام ، بدون یک تباری خطرناک و مقاصد نهفته سیاسی در دستگاه های استخباراتی آنان ممکن خواهد بود؟

حال ، وقتی جنگهای زرگری هشت ساله میان نیرو های ناتو به رهبری ایالات متحده علیه طالبان و القاعده را به بررسی گرفته می بینیم که نه تنها تا کنون هیچ پیروزی در این جنگ نداشته اند ، بلکه موجبات تقویت و تکامل قدم به قدم تروریسم در افغانستان و پاکستان را نیز فراهم آورده اند . مادامیکه اختلافات درونی اعضای ناتو (عمدتاً روی تقسیم غنیمت در افغانستان) را می نگریم ، آنگاه که اظهارات ضد و نقیض و به صورت عمده " نومید " کننده مقامات ارشد کشور های ذیدخل در قبال طالبان را می شنویم ، وقتی رقابت اشخاص و جناح های ذیدخل تنظیمی و جهادی و دولتی افغانستان بر سر نزد یک شدن با طالبان را نظاره میکنیم ، زمانیکه می بینیم نه تنها ملا عمر ، بن لادن ، گلبدین و سایر سرکرده های شورشیان تا هنوز مصونیت کامل دارند ، بلکه حتا از سوی پاکستانی ها روی میز مذاکره با امریکا نشانده می شوند و همچنان ، وقتی دیده می شود که بخشهایی از این شورشیان قبلاً در زیر چتر حمایتی رژیم کرسی تجمع کرده اند و حتا جسارت نامزد شدن غرض رسیدن به کرسی ریاست جمهوری افغانستان را می نمایند ، در چنین حالتی باید از مقامات امریکایی و اروپایی پرسید که پس چه نیازی به لشکرکشی و بمباران و تحمیل تلفات جانی و مالی گسترده به هردو جانب طرف هشت سال گذشته بوده است ؟ چرا رهبران تروریسم که شما گویا در صدد دستگیری آنان هستید ، تا کنون زنده و سلامت و مصون ، آنهم در حمایت کامل آس آی اند؟ در صورتیکه آنها تا کنون در تحت حمایت مقامات پاکستانی بوده اند ، چرا مقامات امریکایی استرداد آنان را از پاکستانی ها مطالبه نکردند؟ باز ، اگر این سرکردگان تروریسم شامل لیست سیاه سی آی ای امریکا قرار دارند ، پس مذاکره با آنان و سهم دادن شان در قدرت دولتی به چه معنا و مفهوم خواهد بود ؟

اگر ترور و انفجار و انتحار و مکتب سوزی و سر بُردن و وحشی گری هایی از این قبیل بد و زشت و غیر انسانی و بالاخره جنایت نا بخشودنیست ، پس چرا بجای آنکه شر آنها از سر مردم غمیده افغانستان ، منطقه و جهان کم ساخته شود ، آنان روز تا روز بزرگتر ساخته شده به نفع شان تبلیغات صورت گرفته و از آنها دعوت به عمل می آید تا در قدرت دولتی سهم شوند؟

به همین سلسله ، وزیر امور خارجه انگلیس اخیراً اظهار نمود که " باید کرسی از این فرصت استفاده نموده با طالبان مذاکره جدی به عمل آورد ."

علاوه از آنکه این اظهارات ، کاملاً بیدردانه ، هدفمندانه و توطئه آمیز است ، پرده از روی تلاشهای سری ، حمایتی مخفی و تقویت کردن های حکومت انگلیس در برابر طالبان ، آنهم در درازنای هشت سال گذشته را بر ملا می سازد . برای انگلیسها ، امریکایی ها و سایر کشور های طماع ، این مهم نیست که بالای مردم بی پناه و عذاب کشیده افغانستان در طول سالها چه گذشته و یا چه خواهد گذشت ، بلکه برای قدرت های مذکور ، رسیدن به هدف های تعیین شده و حصول منافع مورد نظر شان ارزشمند بوده و هست . بنابراین ، معامله ، مذاکره ، امتیاز دهی و بالاخره سهم شدن مجدد

طالبان در قدرت دولتی افغانستان و غیره ، هیچ زبانی به حکومت انگلیس و دیگران نخواهد رسا نید ، بلکه همه گونه زیان و مصیبت خونبار آن صرفاً متوجه ملت در بند افغانستان خواهد بود و بس.

همینجاست که جنرالان سیه کردار پاکستان با کرشمه بازیهای شان ، برای اوپاما رییس جمهور امریکا و ولینعمتان برتانوی خویش می فهمانند که آنها هنوز هم در خدمت حاضر اند و قدرت آنها دارند که از گوش رهبران تروریست ، آدمکشان انتحاری و انفجار دهندگان خونریز گرفته آنها را بالای میز مذاکره با امریکا بنشانند ، مشروط به آنکه به تکرار کیسه های شان پر ساخته شود.

پس آیا مردم عزیز ما حق نخواهند داشت وجود نیرو های خارجی در کشورشان و فریاد های دموکراسی خواهی اروپا و امریکا را میان خالی و اغفال کننده بدانند ؟ آیا به مورد نخواهد بود اگر مردم افغانستان خود شان را فریب خورده و سر زمین مادری شان را تخته خیز برنامه های وسیع ابر قدرتها بدانند ؟ آیا ملت افغانستان و سایر ملل جهان حق نخواهند داشت بگویند که هیچ کشوری ، هیچ قدرتی و هیچ رژیمی به حق شان صادق ، دلسوز و قابل اعتماد نیست و نخواهد بود ؟

هموطنان عزیز ما به یاد دارند که در سالهای اول اشغال افغانستان توسط نیرو های امریکایی ، روزی اعلام گردید که " ملا عمر در یک محل واقع در ارزگان محاصر شده است " و اما صرفاً یکروز پس از آن بود که گفته شد " ملا عمر با موترسایکل از حلقه محاصره فرار کرده است ."

ما ، در همان وقت گفتیم که شاید سربازان بی خبر از اصل پالیسی کشور های شان ، اقدام جدی به دستگیری ملا عمر نموده باشند ، مگر چند ساعت بعد ، دستور انصراف از گرفتاری وی از " بالاها " صادر گردیده و بنابراین ، باید برای منتظرین میگفتند که رهبر تروریست ها با موتر سایکل فرار کرد ، همین و بس !

امروز ، وقتی باز هم سخن ها و دیپلماسی های جانب پاکستان در قبال افغانستان و وکالت کردن های آنان از طالبان و تعیین تکلیف برای افغانها را می نگریم و می شنویم ، بار دگر به غداریها و خیانت های بیگانگان بی آرم متوجه میشویم و به این نتیجه قاطع می رسیم که قدرت های نیدخل در امور افغانستان هنوز هم میخواهند کشور ما را از بلند گاه های بازی سیاسی و تمسخر غرور آمیز و شیطنت بار خویش آلوده در خون و خاکستر ببینند و شاهد وجود ملتی فقیر ، ذلیل و محتاج در قلب آسیا باشند که هرگز چنین مباد!

ای که از کوچۀ معشوقه ما میگذری

باخبر باش که سر می شکنند دیوارش !

(پایان)